

"لئون دنی" در کتاب "عالم پس از مرگ" می نویسد:

"یکی از دلایل موجّه و قاطع حیات روح آدمی پس از مرگ، احضار ارواح است.

امروز این علم در کلیه ممالک جهان گسترش پیدا کرده و دیگر برای احدی از افراد بشر جای انکار باقی نگذاشته است

و سیر علمی و تاریخی آن را دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان در کتابهای خود به نحو مشروحی ذکر کرده اند. ۱۰۸

و ما در این کتاب برای اختصار، از شرح آن خودداری می کنیم و تنها به پاسخ سوالاتی که در این خصوص از ما شده است می

پردازیم.

ضمن پاسخ سوالات طبق آنچه در کتب مربوطه آمده ذکر می گردد و الا ما در باره احضار ارواح نظر خاصی داریم که در پایان

همین بحث از نظر خوانندگان محترم خواهد گذشت.

سؤال اول:

آیا از کجا می فهمند که روح احضار شده است؟ در پاسخ سؤال فوق گفته اند که از آثار وجود او متوجه آن می گردند مثلاً:

بسیار دیده می شده است که ارواح از اموری که هنوز واقع نشده یا افراد، از آن بی اطلاع بودند خبر می دادند و شنوندگان گفته

های آن را مطابق با واقع می یافتند.

بوسیله ارواح مرضهائی که پزشکان حاذق نمی توانستند آن را تشخیص دهند، توضیح داده می شد و نسخه هائی برای بیماران

بوسیله خود ارواح نوشته می شد.

حضار در جلسه می دیدند که ارواح اشیاء سنگینی را از زمین بر می دارند و در جای بلندی می گذارند و یا معلق نگه

می دارند.

قلم خودکاری را به دست می گیرند یا بدون وسائل مادی، خواسته های افراد را روی کاغذها می نویسند.

صداهائی از آنها شنیده می شد و حتی با غیر زبان مادری خود صحبت می کردند.

گاهی اگر میلشان می کشید مشکلترین مسائل فلسفی و ریاضی را برای حضار مجلس حل می کردند.

حیواناتی که در مجلس بودند در موقع احضار ارواح با وحشتی فوق العاده عجیب فرار می کردند.

و خلاصه دهها آثار وجودی دیگری از آنها مشاهده شده که احضار روح را پس از مرگ ثابت می کند.

سؤال دوم:

از کجا معلوم است که روح فرد معینی احضار شده و شخص احضارکننده از راه علوم غریبه آن مطالب را به دست نیاورده

است ؟

در پاسخ می گوئیم:

پس از آنکه دانشمندان ممالک مختلف جهان تحقیقاتی درباره این موضوع نموده بودند و می خواستند پاسخ صدها سؤال کننده را در این مورد بدهند، این آزمایش را به مرحله اجرا گذاشتند که قبلاً همه گونه مراقبتهای علمی از قبیل به کار بردن نیروی برق و بستن درب اتاق و نظائر اینها برای جلوگیری از خدعه و نیرنگ در محافل احضار ارواح در عین حال با کمال تعجب دیدند که در اتاق در بسته ، روح افراد مورد نظر تجلی کرد به طوری که همه حضار هیکل او را دیدند و با او صحبت کردند .

سؤال سوم:

مگر روح از نظر ادیان پس از مرگ در همین عالم می ماند که احضار می شود؟ ما پاسخ داده ایم که تنها دین اسلام این عقیده را دارد و روایات زیادی از پیشوایان اسلام نقل می کند که آنها فرموده اند:

روح انسان پس از مرگ در همین دنیا تا روز قیامت باقی می ماند.

چنانکه "حبه عربی" می گوید:

موقع ظهری بود که با "علی بن ابیطالب" (علیه السلام) از منزل خارج شدیم "علی" (علیه السلام) در محل قبرستان فعلی "وادی السلام" ایستاد، مثل اینکه با جمعیتی صحبت می کند که من آنها را نمی دیدم ، پس از مدتی ایستاد، من روی ارادت می که به آن حضرت داشتم عرض کردم:

خیلی ایستادید قدری بنشینید صحبت کنید و فوراً ردای خود را از دوش برداشتم و به روی زمین پهن کردم که شاید آن حضرت بنشیند.

فرمود:

"اینکه می بینی با چنین اشتیاقی مشغول صحبتیم و خستگی را متوجه نمی شوم علتی جز انس با مردان با ایمانی که در اینجا جمعند ندارد."

گفتم:

عجب این گونه است که شما با اینها سخن می گفتید؟ فرمود:

"اگر پرده از چشم تو هم برداشته می شد آنها را می دیدی که گرد یکدیگر حلقه حلقه نشسته و با کمال صفا و محبت با یکدیگر صحبت می کنند تعجب نمی کردی."

گفتم:

آنها مانند ما جسمی دارند یا ارواحشان این گونه با یکدیگر تماس؟ می گیرند.

فرمود:

"خیر ارواحشان با یکدیگر مآءنوسند."

امروز دانشمندان بزرگ علم احضار ارواح پس از زحمات طاقت فرسائی همان مطالبی را که "علی" (علیه السلام) در چهارده قرن قبل می فرمود به دست آورده اند از باب نمونه به قسمتی از گفتار "سر اولبور لوج" انگلیسی استاد دانشکده "بیرمنگام" در این مورد اشاره می کنیم. او می گفت:

"ما پس از مرگ، زنده خواهیم بود این مطلب را از آن جهت می گوئیم که شخصا با بعضی از دوستانم که فوت شده اند صحبت کرده ام، ارتباط با ارواح ممکن است ولی تابع بعضی شرایط است نمی گوئیم کار آسانی است اما امکان پذیر است من همچنان که می توانم با حضار این مجلس؟ صحبت کنم با دوستان متوفای خود نیز گفتگو کرده ام آنها چون از زمره دانشمندان بوده اند هویت خود را بر من آشکار کرده و به اظهارات آنها واقف شده ام و باز روی یقین و اعتماد کامل می گویم که پس از مرگ، زنده و باقی هستیم رفتگان خاک از ما بیناتر و هشیاتر و به حوادث آگاه ترند و از جریاناتی که بر ما می گذرد بی اطلاع نیستند و به بسیاری از چیزهایی که ما از آنها بی خبریم آگاهی دارند."

مشارالیه پسری داشت به نام مهندس "ریموند" که در جنگ بین الملل اول داوطلبانه به خدمت سربازی احضار و در ۱۴ سپتامبر ۱۹۱۵ در جنگ کشته شد پس از این واقعه اسفناک بین پدر داغدیده و فرزند جوان ارتباط روحی برقرار شد و پروفیسور بعدا کتابی به نام "دیموند" یا زندگی و مرگ، تالیف نمود و با قلم شیوا و محققانه خود مطالبی از زندگی عالم ارواح به رشته تحریر در آورد و از سوز و آهی که از دل شکسته و غمزده او بر می خواست به آنهایی که دستخوش مطامع فروزندگان جنگ گردیده و عزیزان خود را از دست داده بودند نوید می داد که مرگ تغییر حالتی است که برای انسان روی می دهد دیر یا زود همگی در سرای دیگر به هم ملحق می شوند.

سؤال چهارم:

سؤال شده که مگر از نظر ادیان کفار و آنهایی که معتقد به دینی نیستند در عالم پس از مرگ به قدری آزادند که می

توانند با مردم تماس حاصل کنند؟ پاسخ ما:

در پاسخ این سؤال می گوئیم:

همه ادیان معتقدند که افراد بی اعتقاد به اصول ادیان که با همان حال از دنیا رفته اند آن آزادی را ندارند که

اگر بخواهند بتوانند با دوستانشان تماس بگیرند ولی چون اقدام به احضار و تماس با روح از طرف افراد زنده انجام می شود و آنها می خواهند از این راه کسب معلوماتی بکنند و یا لاقل به این وسیله معتقد به استقلال روح خواهند شد، لذا خدای تعالی با کمال محدودیت به آنها اجازه می دهد که به دوستانشان پاسخ دهند و تا حدود معینی با آنان تماس حاصل کنند.

و حتی علماء علوم اسلامی می گویند:

چه بسا افرادی که غیر مسلمان مرده اند ممکن است در همان موقعی که احضار شده اند فوق العاده معذب باشند ولی نتوانند ناراحتی خود را اظهار کنند.

سؤال پنجم:

سؤال شده که چرا ارواح از حقایق معنوی سخنی نمی گویند و صحت مذهبی را تصریح نمی کنند تا این اختلافات فرقه ای از میان برداشته شود؟ پاسخ ما:

پاسخ این پرسش را شاید در یک نشریه جداگانه مشروحا بنویسیم .

ولی اجمالا در اینجا یادآور می شویم که مذاهب مختلف جهان بخصوص مذهب اسلام نمی خواسته اند مردم را جبرا به طرف خداپرستی بکشند بلکه همیشه می کوشیده اند که مردم دارای رشد فکری شوند و عقل خود را به کار بیاندازند و با رشد کاملی، دینی را قبول کنند مثلا در سراسر قرآن زیاد دیده می شود که بشر را به تامل و تفکر و رشد فکری وادار کرده و از این راه خواسته است که مردم دنیا به حقایق و اسرار اسلام پی ببرند، این عمل از نظر روانی فوق العاده پر اهمیت است زیرا اگر مثلا اسلام اجازه می داد که از راه قرعه و استخاره و یا جفر و رمل کسی برای خود مذهبی را تعیین کند و یا حتی کوچکترین حکمی را کشف نماید راه رشد فکری و علوم عقلی بشر را بسته بود و دیگر این همه اسرار و حقایق معنوی کشف نشده بود.

در این مسأله هم اگر به ارواح اجازه داده می شد که از صحت و سقم ادیان سخنی به میان آورند دیگر ممکن بود لاقل کسانی که دارای علم احضار ارواحند به همین سخن اکتفا کنند و دیگر درباره حقایق جهان آفرینش فکر نکنند و با بصیرت از پیغمبران الهی پیروی نکنند لذا از طرف اسلام و سائر ادیان اجازه داده نشده است که در کوچکترین حکمی از احکام،

از ارواح پیروی کنند، از طرف دیگر به ارواح هم اجازه داده نشده است که برای کسی تکلیفی معین نمایند و یا از حقیقت دینی سخن بگویند و حتی آنها نمی توانند اظهار راحتی کامل که مربوط به پیروی یکی از ادیان جهان باشد بنمایند زیرا روح مسیحی و مسلمان و بلکه مشرک و کافر احضار می شده اند و ابا از حالات خود در آن عالم اظهار نارضایتی نمی کرده اند.

در سال ۱۳۳۵ در سفری که به زنجان رفته بودم و از محضر استاد بزرگ مرحوم حجه الاسلام والمسلمین یگانه دانشمند روحانی و روانشناس جناب آقای "حاج شیخ محمود عتیق" معروف به "حاج ملا آقاجان" از علم تزکیه اخلاق استفاده می کردیم روزی از شهرستان "ابههر" یکی از دوستان، از ما دعوت کرد به اتفاق ایشان به "ابههر" رفتیم روز بعد با مرحوم استاد و میزبان برای طلب مغفرت مردگان به قبرستان "ابههر" رهسپار شدیم استاد بزرگ وقتی به روی قبر هر یک از اقوام میزبان می ایستاد و فاتحه ای می خواند رو به میزبان می کرد و جمیع خصوصیات جسمی و شکل و قیافه صاحب قبر را بیان می نمود و کلماتی از اسرار زندگی ما که مردگان برای او شرح داده بودند اظهار می داشت که بعضی از آنها را با هیچ کس در میان نگذاشته بودیم و کسی از آن اطلاعی نداشت.

استاد می گفت:

آنها را با همان صورتی که از دنیا رفته اند می بینم و برای میزبان شرح می داد و میزبان او را تصدیق می کرد.

استاد می گفت:

ارواحی که ناراحتی در اثر گناه یا عقائد باطل در عالم پس از مرگ دارند همیشه در کنار جسدشان محبوسند.

ولی آنهایی که ایمان راسخ داشته و معتقد به عالم قیامت بوده و پاک دامن از دنیا رفته اند ارواحشان آزاد و هر زمان بخواهند بر سر قبورشان حاضر می شوند و حتی از اسرار نهانی و رموز عالم خلقت اطلاع کافی دارند.

پیش بینیها یکی دیگر از دلائل استقلال روح این است که مکرر برای انسان اتفاق می افتد که از آینده بوسیله خواب و یا الهامات غیبی اطلاع پیدا می کند که بدون تردید اگر روح جز همان فعالیت‌های سلولهای مغز چیز دیگر نبود چنین استعدادی نداشت و مسلم نمی توانست از آینده مطلع شود اگر چه یک عده منکر این حقیقت هستند ولی انشاءالله در جزوه های آینده بحث جالبی درباره این موضوع می نگاریم و اثبات خواهیم کرد که یکی از دلائل محکم روح همین پیشگوییها است.

مسلم با نقل همین چند دلیل حسی و عقلی مسأله استقلال روح برای افراد روشنفکر و منصف ثابت شده است و لذا دیگر احتیاجی به نقل سائر دلائلی که بعضی از آنها از نظر ما مخدوش و بعضی صحیح ولی مفصل، مانند ادراک مطالب کلی برای روح و یا خواب مغناطیسی و هپنوتیزم و غیره ندارد.

بنابراین شبهاتی را که تاکنون از ما در مسأله احضار ارواح پرسش کرده اند، پاسخ گفته ایم و چنانکه در سابق متذکر شدیم، به قدری مسأله احضار ارواح پس از مرگ مسلم است و در کتابها از آن یاد شده، است که دیگر لازم

نمی دانیم درباره اثبات آن مطلبی یادداشت کنیم و یا اصراری داشته باشیم که این موضوع از دلائل محکم استقلال روح محسوب شود لذا به همین مقدار از مطالب که در کتابهای دیگر کمتر به چشم می خورد اکتفا می کنیم.

پیش بینیها یکی دیگر از دلائل استقلال روح این است که مکرر برای انسان اتفاق می افتد که از آینده بوسیله خواب و یا الهامات غیبی اطلاع پیدا می کند که بدون تردید اگر روح جز همان فعالیت‌های سلولهای مغز چیز دیگر نبود چنین استعدادی نداشت و مسلم نمی توانست از آینده مطلع شود اگر چه یک عده منکر این حقیقت هستند ولی انشاءالله در جزوه های آینده بحث جالبی درباره این موضوع می نگاریم و اثبات خواهیم کرد که یکی از دلائل محکم روح همین پیشگوئیها است.

مسلم با نقل همین چند دلیل حسی و عقلی مسأله استقلال روح برای افراد روشنفکر و منصف ثابت شده است و لذا دیگر احتیاجی به نقل سائر دلائلی که بعضی از آنها از نظر ما مخدوش و بعضی صحیح ولی مفصل ، مانند ادراک مطالب کلی برای روح و یا خواب مغناطیسی و هینوتیزم و غیره ندارد.

بنابراین شبههاتی را که تاکنون از ما در مسأله احضار ارواح پرسش کرده اند، پاسخ گفته ایم و چنانکه در سابق متذکر شدیم ، به قدری مسأله احضار ارواح پس از مرگ مسلم است و در کتابها از آن یاد شده ، است که دیگر لازم نمی دانیم درباره اثبات آن مطلبی یادداشت کنیم و یا اصراری داشته باشیم که این موضوع از دلائل محکم استقلال روح محسوب شود لذا به همین مقدار از مطالب که در کتابهای دیگر کمتر به چشم می خورد اکتفا می کنیم.

عالم پس از مرگ ، صفحه ۶۶.

مراجعه شود به کتاب "عالم پس از مرگ" صفحه ۶۶ و سالنامه جوانان سال ۱۳۴۵، صفحه ۴۸ و کتاب "به سوی جهان ابدی".

اقتباس و نقل از کتاب "علی اطلال المذاهب المادی" و "عالم پس از مرگ".

اصول روانکاوی فروید.

در کتاب "عالم عجیب ارواح" مطالبی راجع به ارواح و اطلاع آنها از مغیبات نوشته ایم.

ما در کتاب **عالم عجیب ارواح** و کتاب **در محضر استاد** و کتاب **سیرالی الله** و کتاب

پرواز روح به مطالب بالا اشاره کرده ایم به آنجا مراجعه فرمائید.